

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش کابلی- امریکا

۲۹ فبروری ۲۰۱۲

## سخنی چند با محترم آزاد ل.

هر قدر انتظار کشیدیم تا اقلأ یکی از علماء و دانشمندان در مقابل نوشته های شما قلمی بردارند و سربالا کنند تا در یک فضای صمیمیت و منطقی بر موضوعات روشنی انداخته و روی ای مسأله مهم تفاهم و مذاکره آموزنده صورت گیرد و در پرتو آن حقایق هویدا گردد، از کس هیچ خبری نشد. بناءً ناچار با دانش کم و قلم نا توان خواستم چیری بنویسم و امید است مرا به بار ملامت نگیرید، زیرا می دانید ما زاده محیط خشونت و زشتی هستیم و متأسفانه در محیطی که ما بزرگ شده ایم هیچ کس روی این موضوعات عقیدتی با ما به خوبی و پیشانی باز صحبت نکرده، همیشه در مقابل سوال های ما به خشونت و تهدید پاسخ داده شده و یا بدون پاسخ زیر مشت و لکد گرفته می شدیم. خوب به یاد دارم در یکی از روز های شدید زمستان کابل که بر روی زمین در حدود نیم متر برف هموار بود و پیشین روز بود هنوز هم پاغنده های برف از هوا فرو می آمد و هر طرف باد کویه می نمود.

دوران نو جوانیم بود و رخصتی دوران مکتب ها بود زیادتروزها و شبها در خانه می بودم جای رفتن و صحبت دوستان بسیار کم میسر می شد سینما رفتن به تنهایی اصلاً اجازه نداشتیم، پروگرامهای رادیو در شبانه روز صرف چند ساعت محدود بود آن هم در منطقه ای که ما زندگی می کردیم برق به اندازه ای ضعیف بود که نصف پروگرام را شنیده نمی توانسیم از تلویزیون و کمپیوتر نام و نشانی نبود. از دیدن نیم رخ دختر همسایه و شنیدن آواز او از عقب بیره دیوار روز ها مسرور و مصروف می بودیم، از کتاب و مجله به زبان مادری آثاری به دسترس نداشتیم ندرتاً یگان مجله و کتاب ایرانی بین دوستان و رفقاء دست به دست می گشت. یگانه کتابی که در خانه ما به دسترس همه قرار گرفته می توانست، قرآن شریف بود و بوستان و گلستان و دیوان حضرت بیدل و حافظ.

در آنروز دق و خسته کن زمستان نهایت خوش بودم که از نزد یکی از همصفا نم که در کوچه ما زندگی می کرد کتابی به زبان خودم به امانت گرفته بودم. آن کتاب از یک متفکر و فیلسوف بلجیمی به نام "موریس مترلنگ" بود. در پته صندلی نشسته غرق مطالعه بودم به فصلی از کتاب رسیده بودم که می گفت: هر کسی به اندازه فهم خود خدائی برای تخیل خلق می کند. خطاب به خواننده می گفت "تو بگو کی هستی تا بگویم خدای تو چه قسم است"

پدر مرحوم و شادروانم که شخص متدین، متصوف و مسلمان با دیانت بود. یادم نیست چطور آنروز به کار تشریف برده بودند و در خانه تشریف داشتند و در پته دگر صندلی نشسته و تفسیر قرآن کریم را " تفسیر حسینی" را مطالعه می نمود. هر دو مصروف مطالعه بودیم و خاموشی مطلق حکمفرما بود.

نمی دانم چطور شد لحظه ای رسید که هر دو به صورت همدیگر متوجه و چشم به چشم شدیم . دیدم از گوشه ای چشم پدرم اشک از زیر عینک شان جاریست . گفتند : بشنو بچیم خداوند چه می فرماید: " اگر مرا به خدائی قبول نداری ؟ پس برای از سر زمین من و برای از زیر آسمان من". { نمیدانم کدام آیت شریف است } . دفعته از زبانم برآمد که " خدا می داند که ما دگر جای نداریم" پدرم از این حرف من دفعته سخت برآشفته و قرآن را بوسید و پوشاند در جای خود ایستاد و به من دشنام و ناسزا گفت و بر من حمله کرد و گفت:

همین کتاب ها تو را از راه کشیده و کتاب را از دستم گرفت و آن را پاره، پاره کرد و به دور انداخت . مرا زیر مشت ولکد گرفت و گفت بیرون شو از خانه، هر دو در خانه تنها بودیم و هیچ خلاص گیر نبود.

گفتم: خودت هم مثل خدا می دانی من دگر جائی برای رفتن ندارم. از این حرف زیادتر برافروخته گفتم:

او بچه می کشمت می فهمی حضرت ابراهیم پسر خود حضرت اسماعیل را به دست خود قربانی می کرد من با دست خودتورا مردار می کنم...

هموطن عزیز!

من و همسالم در این طور فرهنگ خشونت بزرگ شدیم. بدین تفسیردین در مغز و خون ما طوری تزریق شده که برون آوردن آن مشکل است.

آقای آزاد"ل" برای شما بهتر معلوم است که دین یک اتکاء معنویست و جمله ادیان قبول عقاید دینی را برای هر سوپیه انسان خیلی آسان و ساده ساخته و هرکس آنقدر وقت و حوصله ندارد تا با این همه مصروفیت این عصر به این نوع مسایل فلسفی رسیدگی بدارند. سهلترین طریقه، پیروی از دین و عقیده والدین است.

آزاد"ل" صاحب از نوشته هایتان برداشت من این است که مبارزه شما در مقابل تمام ادیان است بالخصوص ادیان سمائی بناءً شرط انصاف نباشد تا همه مقدسات بدون کدام بدیل و عوض از دست برود. خوشی ها به هر صورت ایام غم و اندوه و درد های جانکاه به کی مراجعه و از کی کمک و استعانت خواسته شود . در حالی که ساینس امروز به این عقیده است که کائنات توسط یک قدرت مافوق خلق شده و کنترل می شود. منتظر نظر شما. ختم